



<http://quran.anhar.ir>

پایگاه جامع قرآن کریم  
وابسته به پورتال اینترنتی الهام

موقعیت فعلی: فهرست قرآن / سوره شعراء / تفسیر نور / آیات 61 تا 118

فهرست قرآن | متن | فضیلت | ترجمه | تفسیر | فرانت

فَلَمَّا تَرَاءَ الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿61﴾

پس زمانی که دو گروه همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: (ما به دام افتادیم و) آنان به ما دست خواهند یافت.

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿62﴾

(موسی به آنان) گفت: چنین نیست، قطعاً پروردگارم با من است و مرا هدایت خواهد کرد.

نکته ها:

\* «ترائی» به معنای یکدیگر را دیدن و «جمعان» به معنای دو گروه است.

\* شاید آوردن «أَصْحَابُ مُوسَى» به جای بنی اسرائیل، رمز آن باشد که حتی یاران نزدیک موسی از اینکه دریا در جلو و سپاه فرعون در تعقیب آنان هستند، دغدغه‌ها داشتند.

\* گرچه هر حرکت و قیام و تصمیمی، شناخت و بصیرت لازم دارد، ولی لازم نیست انسان در گام اول نسبت به تمام مراحل آگاهی داشته باشد. چنانکه حضرت موسی تا لحظه ای که دریا را در جلو و دشمن را پشت سر خود دید خبر از برنامه نداشت، اما ایمان به هدایت الهی همواره در او بود. لذا فرمود: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ»

پیام ها:

1- رهبران آسمانی، در بحران‌ها دلی آرام دارند و مایه‌ی آرامش دیگران نیز هستند. «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»

2- به وعده‌های الهی یقین داشته باشیم. (خداوند در آیه‌ی 15 این سوره به موسی فرمود: «إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ»، در این آیه موسی به مردم می‌گوید: خداوند وعده داد و او با ماست). «كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»

3- هنگام برخورد با دشمن، (حتی زمانی که در یک طرف دریا و در طرف دیگر سپاه دشمن است)، مایوس نشوید و به خدا توکل کنید. «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»

4- پیامبران واسطه‌ی فیض و رحمت خداوند می‌باشند. «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (با توجه به اینکه هدایت پیامبر، واسطه‌ی هدایت مردم است)

5- انبیا تحت حمایت ویژه‌ی خداوند هستند. «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي»

6- هدایت از شئون ربوبیت است. «رَبِّي سَيَهْدِينِ»

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطُّوْدِ الْعَظِيمِ ﴿63﴾ وَ أَرْزَقْنَاهُمْ مِمَّا فِي الْبَحْرِ وَ أَزَلَّوْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ ﴿64﴾

پس (به دنبال این تلاقی)، به موسی وحی کردیم که عصایت را به دریا بزن. دریا شکافت و هر پاره‌ای مثل کوهی بزرگ گردید. آنگاه گروه دیگر (لشکر فرعون) را به آنجا نزدیک کردیم.

وَ أَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَ مَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ﴿65﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِينَ ﴿66﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿67﴾ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿68﴾

و موسی و هر که را با او بود، همگی را (از دریا عبور و) نجات دادیم. سپس گروه دیگر را غرق ساختیم. البته در این ماجرا، (عبرت و) نشانه روشنی است و بیشتر آنان ایمان آورنده نبودند. و همانا پروردگارت شکست‌ناپذیر و مهربان است.

نکته ها:

\* کلمه ی «انفلاق» به معنای شکافته شدن، «فرق» به معنای قطعه و «طود» به معنای کوه می باشد. گویا در اثر شکافته شدن رود بزرگ نیل که همچون دریاست، آب در دو طرف خشکی ایجاد شده چنان روی هم انباشته شد که همانند دو کوه بلند گردید.

### پیام ها:

- 1- کارهای انبیا با اراده ی پروردگار و وحی الهی است. فَأَوْحَيْنَا ...
- 2- خداوند کارهایی را به دیست اولیای خود انجام می دهد تا مردم به آنان توجه کنند و از آنان اطاعت نمایند. «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ» (آری، طبیعت و مظاهر آن، با اراده ی خداوند در اختیار بندگان خاص و مقهور آنان است.)
- 3- با اراده ی خداوند، یک عصا روزی ازدها می شود و سبب ترس دشمنان می گردد و یک روز کلید رحمت و باز شدن راه برای مؤمنان می شود.
- 4- با اراده ی خداوند، یک عصا گاهی سبب جوشیدن آب از سنگ است: «اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ» [1] و گاهی سبب خشک شدن دریا. «اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْيَمْرُوقَ»
- 5- همه ی هستی و فعل و انفعالات آن، با اراده ی خداوند است. «فَأَوْحَيْنَا - أَرْزَلْنَا - أَنْجَيْنَا - أَعْرَفْنَا»
- 6- نجات و رستگاری در سایه ی همراهی با انبیاست. «أَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ»
- 7- خداوند یاران خود را در سخت ترین شرایط از بن بست نجات می دهد. «أَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ»
- 8- شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان، نشانه ی قدرت و قهر الهی و مایه ی پند است. «إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً»
- 9- سنت الهی در طول تاریخ، یاری حق و سرکوب باطل است. «لَآيَةً» آری، نشانه و عبرت بودن یک حادثه، زمانی است که آن حادثه یا مشابه آن در طول تاریخ تکرار شدنی باشد.
- 10- خداوند با بیان تاریخ گذشتگان، به پیامبر اسلام دلداری و درس صبر می دهد. «مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ»
- 11- پندپذیران کم هستند. «لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ»
- 12- پیامبر اسلام تحت حمایت ویژه ی خداوند است. «رَبِّكَ» (خطاب به پیامبر است که همان گونه که ما مخالفان موسی را نابود کردیم، با همان عزت و قدرت می توانیم مخالفان تو را نیز نابود کنیم.)
- 13- کفر مردم، ضرری به عزت خداوند نمی زند. «مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ - إِنَّ رَبِّكَ لَهَوَّ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»
- 14- مرتبی، هم باید قدرتمند باشد و هم مهربان. «إِنَّ رَبِّكَ لَهَوَّ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»
- 15- مهلتی که خداوند به کفار می دهد از ضعف و ناتوانی نیست، بر اساس مهر و رحمت است تا شاید توبه کنند. «الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»

وَ اتَّبِعُوا مَنَابِتَ اِبْرَاهِيمَ «69» اِذْ قَالَ لِاٰبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُوْنَ «70» قَالُوْا نَعْبُدُ اَصْنَامًا فَنَنْظُرُ لَهَا عَٰكِفِيْنَ «71»

(ای پیامبر! سرگذشت ابراهیم را بر مردم بخوان. آن گاه که به پدرش (عمویش آذر) و قومش گفت: شما چه می پرستید؟ گفتند: بت هایی را می پرستیم که همواره ملازم آنهایم.

قَالَ هَلْ يَسْمَعُوْنَكُمْ اِذْ تَدْعُوْنَ «72» اَوْ يَنْفَعُوْنَكُمْ اَوْ يَضُرُّوْنَ «73» قَالُوْا بَلْ وَجَدْنَا اٰبَاءَنَا كَذٰلِكَ يَفْعَلُوْنَ «74»

ابراهیم گفت: آیا هر گاه آنها را می خوانید (یا دعا می کنید) سخن شما را می شنوند؟ یا به شما سود و زبانی می رسانند؟ بت پرستان گفتند: (نه) بلکه پدرانمان را یافتیم که این گونه (پرستش) می کردند.

قَالَ اَ فَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُوْنَ «75» اَنْتُمْ وَ اٰبَاؤُكُمْ الْاٰقْدَمُوْنَ «76»

ابراهیم گفت: آیا در آنچه می پرستید اندیشه و نگاه (عمیق) کرده اید؟ شما و پدران پیشین شما (دقت کرده اید)؟

### نکته ها:

- \* بعد از حضرت موسی که نامش بیش از 130 مرتبه در قرآن آمده، نام حضرت ابراهیم، بیش از دیگر پیامبران در قرآن آمده است.
- \* بر اساس روایات مراد از کلمه ی «آب» در این آیه، آذر عموی ابراهیم است. زیرا امکان ندارد که پدر پیامبری همچون ابراهیم کافر باشد. از نظر لغت نیز به مرتبی و جد و پدر زن نیز «آب» گفته می شود. در آیه 133 سوره بقره می خوانیم که فرزندان یعقوب به پدرشان گفتند:

«تَعْبُدُ إِلَهَكَ وَ إِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ» با اینکه یعقوب فرزند اسحاق است، در این آیه هم به جد (ابراهیم) و هم به عمو (اسماعیل)، آب گفته است.

\* تقلید از اهل علم و دانشمندان، گاهی وسیله ی تکامل و رشد و ترقی است؛ «فَسْتَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ» [2] و فَيَهْدَاهُمْ أَقْتِدَهُ ... [3] ولی از عوام وسیله ی تحجر و جمود است. «إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا» زیرا پابندی بی چون و چرا به سنت ها و آداب ملی و قومی، سبب تخدیر جامعه و سد راه فکر و نوآوری و مانع شناخت حقیقت است.

\* چون حضرت ابراهیم مورد ستایش همه ی گروه های یهودی و مسیحی است، بیان تاریخ او برای اهل کتاب زمان پیامبر و همچنین مسلمانان، درس آموز خواهد بود.

\* کلمه ی «رأیتم» از ریشه ی «رأی» و «رؤیت» است. بنابراین «رأیتم» هم شامل دیدن با چشم می شود و هم نگریستن با عقل.

### پیام ها:

- 1- پیامبر اسلام مأمور حفظ تاریخ انبیای قبل از خود است. «وَ ائْتَلُ عَلَيْهِمْ»
- 2- سرگذشت حضرت ابراهیم علیه السلام مهم و مفید است. («تَبَأَ»، به خبر مهم گویند)
- 3- سنت ها و قوانین حاکم بر تاریخ، ثابت است. بنابراین تاریخ دیروز می تواند برای امروز درس باشد. «وَ ائْتَلُ عَلَيْهِمْ تَبَأَ إِبْرَاهِيمَ»
- 4- در نهی از منکر، از خودی ها شروع کنیم. «لِأَيِّهِ»
- 5- در نهی از منکر، سن شرط نیست. «قَالَ لِأَيِّهِ»
- 6- در نهی از منکر، قدرت شرط نیست. «قَالَ لِأَيِّهِ وَ قَوْمِهِ» (با توجه به اینکه آن زمان حضرت ابراهیم در شرایطی بود که عمویش او را طرد کرد.)
- 7- در نهی از منکر، از تنهایی نترسید. «قَالَ لِأَيِّهِ وَ قَوْمِهِ»
- 8- در دفاع از حق، مراعات فامیل را نکنید. «قَالَ لِأَيِّهِ»
- 9- خداوند با بیان این که نزدیک ترین بستگان ابراهیم بت پرست بودند و از او اطاعت نکردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دلدار می دهد. «لِأَيِّهِ وَ قَوْمِهِ - تَعْبُدُ أَصْنَامًا»
- 10- در شیوه ی تبلیغ، وجدان ها را با سؤال بیدار کنید. «ما تَعْبُدُونَ» (با آنکه ابراهیم علیه السلام می دید که آنها چه چیزهایی را می پرستند، ولی برای اینکه آنان را به تفکر وادار کند و وجدانشان را بیدار نماید، از آنان پرسش نمود.)
- 11- انسان، موجودی اسبیت پرستش گر، اگر حق را پرستش نکند به باطل رو خواهد کرد. «ما تَعْبُدُونَ - تَعْبُدُ أَصْنَامًا»
- 12- قرآن کریم در نقل تاریخ، نقاط حساس و سازنده را مطرح می کند. «ما تَعْبُدُونَ» (قرآن در مطالبی که از تاریخ نقل می کند، به تعداد و نام و زمان و مکان اشاره ندارد، بلکه پیام و محتوای عبرت انگیز را بیان می کند.)
- 13- در نهی از منکر، از منکرات مهم شروع کنید. «ما تَعْبُدُونَ» (آری مهم ترین منکر، شرک به خداوند است.)
- 14- هر عبادتی ارزش ندارد، نوع معبود و مقدار شعور مهم است. «تَعْبُدُ أَصْنَامًا»
- 15- پرستش، یک خواست لحظه ای نیست، بلکه در عمق جان انسان ریشه دارد. «عَاكِفِينَ»
- 16- بدتر از انحراف، افتخار به انحراف است. «فَتَطَّلُّ لَهَا عَاكِفِينَ» «نظلم» یعنی همیشه بت می پرستیم و «عَاكِفِينَ» یعنی بر پرستش آن ملازم هستیم.)
- 17- استدلال و منطق، اولین گام تبلیغ است. «هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ - أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ»
- 18- انگیزه ی پرستش، یا خیررسانی است، یا دفع شر و بت ها هیچ یک را ندارند. «يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ»
- 19- با افراد عاڈی، استدلال روشن و قابل فهم داشته باشید. «هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ»
- 20- در عقاید، تقلید ممنوع است. «وَ جَدْنَا آبَاءَنَا»
- 21- گاهی آداب و رسوم نیاکان، مانعی بر راه عقل و منطق است. «وَ جَدْنَا آبَاءَنَا»
- 22- سابقه، دلیل حقاآیت نیست. «وَ جَدْنَا آبَاءَنَا»
- 23- بت پرستان نیز بی اثر بودن بت ها را باور دارند، فقط گرفتار نیاکان خود هستند. «بَلْ وَ جَدْنَا آبَاءَنَا»
- 24- تعصب و قوم گرایی ممنوع است. «وَ جَدْنَا آبَاءَنَا»

25- جهل و ساده اندیشی، بستر و زمینه ی انحراف است. «أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ» (شُرک مبنای علمی و برهانی ندارد)

26- تدبّر و تعقّل برای انسان، یک ضرورت است. «أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ»

27- مناظره، بحث و احتجاج، میان افکار گوناگون لازم است. «أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ ...»

فَأَيُّكُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ «77»

البته این بت ها دشمن من هستند (و من دشمن آنها)، مگر پروردگار جهانیان (که محبوب من است).

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ «78» وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ «79» وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ «80» وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ «81»

همان پروردگاری که مرا آفرید و همو راهنمایم می کند. او که مرا (هنگام گرسنگی) طعام می دهد و (هنگام تشنگی) سیرابم می نماید. و هر گاه بیمار شوم، همو مرا شفا می بخشد. او کسی است که مرا می میراند، سپس زنده ام می کند.

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ «82»

او کسی است که امید دارم روز جزا خطاهای مرا ببخشد.

#### نکته ها:

\* جز خدایی که ربّ العالمین است، همه ی معبودها دشمن ما می شوند، زیرا بت ها در قیامت به سخن در آمده، علیه بت پرستان شکایت خواهند کرد. چنانکه قرآن می فرماید: «كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» [4] روز قیامت بت ها از بت پرستان تنفر می جویند و با آنان ضدّیت دارند و بدین وسیله عداوت آنها روشن می شود [5]

\* خطای انبیا، ترک اولی است، و گرنه خداوند حضرت ابراهیم را با صفاتی مثل برگزیده ستایش نموده است. «إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ» [6]

#### پیام ها:

1- معبودهای خیالی و دروغین، دشمنان اندیشه، سعادت و تکامل بشریت هستند. عَدُوٌّ لِي ...

2- در شیوه ی تبلیغ، گاهی لازم است خود را به جای دیگران قرار دهیم. «عَدُوٌّ لِي» و نفرمود: «عَدُوٌّ لَكُمْ»

3- آفرینش انسان از بزرگ ترین الطاف الهی است. «الَّذِي خَلَقَنِي»

4- کسی حقّ هدایت دارد که آفریده باشد. «خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ» زیرا تدبیر و هدایت از آفرینش جدا نیست.

5- آفریدن و هدایت کردن، نشانه ی آن است که او ما را دوست دارد، نه بت ها.

«عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ»

6- هدایت، از شئون ربوبیت است. «رَبُّ الْعَالَمِينَ - فَهُوَ يَهْدِينِ»

7- نعمت هدایت (بعد از خلقت)، بزرگ ترین نعمت هاست. «خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ»

8- آفریدن یک بار است، ولی هدایت در هر لحظه و همیشه است. («خَلَقَنِي» به صورت ماضی و «يَهْدِينِ» به صورت مضارع و استمرار آمده است)

9- سیر شدن و سیراب شدن انسان، کار خداست. آب و نان وسیله است.

«يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ»

10- توجه به نعمت های معنوی، بر توجه به نعمت های مادی مقدم است. ابتدا فرمود: فَهُوَ يَهْدِينِ ...، آنگاه فرمود: يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ...

11- در پیدایش بیماری، خود ما مقصریم. «مَرِضْتُ» و نفرمود: «أمرضنی»

12- شفا از خداست. دارو وسیله است و تأثیر آن نیز به اراده اوست. «فَهُوَ يَشْفِينِ»

13- شفای روح و شفای جسم در کنار هم لازم است. «فَهُوَ يَهْدِينِ - فَهُوَ يَشْفِينِ»

14- در سخن و خطابه، آهنگین بودن کلمات یک ارزش است. «يَهْدِينِ - يَسْقِينِ - يَشْفِينِ»

15- در جهان بینی الهی، مرگ پایان کار نیست، یکی از مراحل زندگی است.

«يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ»

16- همه کاره ی هستی خداست. (توحید افعالی) «يَهْدِينِ - يَسْقِينِ - يَشْفِينِ - يُحْيِينِ»

17- هر کجا زمینه شرک وجود دارد، شرک زدایی لازم است. (در نعمت هدایت، اطعام و شفا، سه بار کلمه ی «هو» به کار رفته است، ولی در خلقت و مرگ و حیات، این کلمه به کار نرفته، شاید به این خاطر که خلقت و مرگ را همه به خدا نسبت می دهند و جای شرک نیست، ولی ارشاد و اطعام و شفا به مردم، دارو، پزشک و غذا نسبت داده می شود. لذا قرآن برای زنده نگاه داشتن روحیه توحید، کلمه ی «هو» را بکار برد، یعنی همه ی کارها بدست اوست).

18- یکی از فلسفه های عبادت تشکر از خداوند است (ابراهیم به عمو و قوم خود فرمود: «ما تَعْبُدُونَ» چه چیزی را می پرستید؟ گفتند: بت. حضرت ابراهیم در این آیات، فلسفه ی عبادت خدا را بیان می کند). «خَلَقَنِي - يَهْدِين - يُطْعِمُنِي - يُسْقِين - يَشْفِين - يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِين»

19- هیچ کس از الطاف الهی بی نیاز نیست. «أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ ...» در جایی که حضرت ابراهیم خلیل الله خود را نیازمند مغفرت الهی بداند، تکلیف ما روشن است.

20- عفو الهی، فضل اوست نه استحقاق ما. «أَطْمَعُ» آری، به اعمال خود تکیه نکنیم، زیرا ابراهیم نیز به عفو الهی چشم دوخته، نه پاداش کار خود.

21- امید و رجا، یک ارزش است. «أَطْمَعُ»

22- ربوبیت خداوند سبب دل بستگی به عفو و مغفرت اوست. رَبِّ الْعَالَمِينَ ... أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي

23- طلب مغفرت، شیوه ی انبیاست. «يَغْفِرَ لِي»

24- اگر لطف خاص او نباشد، انسان در هر مرحله ای باشد جایز الخطا است.

«خَطِيئَتِي»

25- جلوه ی مبدء و معاد در کلام انبیا آشکار است. خَلَقَنِي ... يَوْمَ الدِّينِ

26- نیازهای مادی و معنوی انسان از آغاز تا پایان زندگی، به دست خداوند است. خَلَقَنِي ... يَوْمَ الدِّينِ

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْجَفْنَی بِالصَّالِحِينَ «83»

(ابراهیم در ادامه ی سخن خود گفت: پروردگارا! به من حکمت و دانش مرحمت فرما و مرا به صالحان ملحق کن!

نکته ها:

\* کلمه ی «حکم» می تواند به معنای حکومت و سرپرستی و تدبیر امور باشد و یا به معنای دانش و معرفت. البته «حُكْم» معنایی برتر از حکمت دارد، زیرا حکمت تنها قدرت تشخیص حق از باطل است و حُكْم آگاهی همراه با آمادگی برای اجرای حق است. [7]

\* سعادت انسان در چند جمله خلاصه می شود که در دعای حضرت ابراهیم آمده است: الف: شناخت خداوند و معرفت درونی نسبت به او. «هَبْ لِي حُكْمًا»

ب: حضور در جامعه ی صالح. «الْجَفْنَی بِالصَّالِحِينَ»

ج: نام نیک در تاریخ. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

د: رسیدن به بهشت ابدی. «وَرْتَهُ جَنَّةِ النَّعِيمِ»

پیام ها:

1- انسان برای رسیدن به کمالات باید از خداوند استمداد کند. رَبِّ هَبْ لِي ...

2- استمداد از نام «رَبِّ»، در استجاب دعا مؤثر است. «رَبِّ»

3- حکمت و بینش همراه با عمل، هدیه ی الهی است. «هَبْ لِي حُكْمًا»

4- قبل از درخواست جدید از خداوند، از نعمت های قبلی نامی ببرید و از او تشکر کنید. خَلَقَنِي - يَهْدِين - يَشْفِين - يُسْقِين - وَ ... رَبِّ هَبْ لِي

5- اگر حکمت باشد، ولی دوستان انسان ناهل باشند، حکمت کارایی ندارد.

«هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْجَفْنَی»

6- اگر دید و بینش و تفکر صحیح بود، رفتار و گفتار و نیت هم صحیح می شود.

(حکمت به معنای دید و فهم و نظر صحیح است). «حُكْمًا»

7- حکمت نظری، به تنهایی مفید و نجات بخش نیست. حکمت باید با عمل همراه باشد. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْجَفْنَی بِالصَّالِحِينَ»

8- برخورداری از حکمت و معرفت در درون و زندگی در جامعه ی صالحان و صالح بودن، بالاترین درجه ی سعادت است. «حُكْمًا وَ الْجَفْنَی بِالصَّالِحِينَ»

9- حکمت و شناخت و بینش، بر عمل مقدم است. «هَبْ لِي حُكْمًا وَ الْجَفْنَی»

10- بهترین دعا را از بهترین افراد بیاموزیم. (بهترین افراد، انبیا هستند و یکی از بزرگ ترین انبیا حضرت ابراهیم علیه السلام است که در دعا از خداوند مغفرت، حکمت، نام نیک و حسن عاقبت می خواهد و در آیات دیگر از خداوند، فرزندان خوب و پیروان مسلمان درخواست می کند).

11- حکومت خواهی برای انجام احکام الهی، مطلوب است. «هَبْ لِي حُكْمًا» [8]

12- هم انزوا ممنوع است و هم جذب ناهلان شدن. «الْحَقِيقِي يَا صَالِحِينَ»

13- جامعه ای ارزش دارد که افرادی صالح باشند. «الْحَقِيقِي يَا صَالِحِينَ»

14- انسان به رفیق خوب محتاج است. «وَ الْحَقِيقِي يَا صَالِحِينَ»

وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»84»

و در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار ده.

وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ»85»

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

#### نکته ها:

\* در آیه ی 108 سوره ی صافات که ماجرای ذبح اسماعیل مطرح شده است می فرماید: «وَ تَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ» یعنی قربانی در مراسم حج را یک سنت واجب قرار دادیم و به خاطر تسلیم بودن ابراهیم، نام نیک برای او به جای گذاشتیم و این گونه دعایش را که می گفت: «وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»، مستجاب کردیم.

در آیه ی 50 سوره ی مریم نیز به دنبال نام حضرت ابراهیم و اسحاق و یعقوب می فرماید:

«وَ جَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا» ما نام بلند و نیکو برای آنان قرار دادیم

\* حضرت علی علیه السلام فرمود: نام نیک، از دارایی و سرمایه بهتر است. [9]

\* در روایات از لسان صدق و یادگار نیک، به وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام تعبیر شده است. [10] بعضی سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که فرمود: «أنا دعوة أبي ابراهيم» یعنی من اتردعای پدرم ابراهیم هستم، دلیل این نکته دانسته اند. بنابراین مراد از لسان صدق در آیندگان، انبیایی از نسل او هستند که مکتب توحیدی را زنده نگاه داشته اند و این آرزو با مقام پیامبری همچون ابراهیم علیه السلام، تناسب بیشتری دارد.

\* روایات می خوانیم: هر گاه انسان از دنیا رفت، پرونده ی اعمالش بسته می شود مگر کسی که صدقه ی جاریه ای به جای گذاشته باشد. مانند: وقف یا کتاب مفیدی که از او به جای مانده باشد و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند. [11]

\* در روایات آمده است: هر انسانی در بهشت و دوزخ جایگاهی دارد و هنگامی که وارد دوزخ شود، خانه ی بهشتی او را به دیگران می دهند و آنان وارث می شوند [12]

#### پیام ها:

1- بقای نام مکتب و یادگار نیک را از او بخواهیم. «وَ اجْعَلْ لِي»

2- ستایشی ارزش دارد که صادقانه باشد، نه از روی تملق. «لِسَانَ صِدْقٍ»

3- آیندگان را به حساب آوردید و قضاوت آیندگان را در نظر بگیرید. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

4- اتفاق نظر یهود و نصارا و مسلمانان بر عظمت ابراهیم، نمونه ی استجاب دعا است. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

5- انسان های بزرگ، هم محبوبیت دنیوی می خواهند و هم سعادت اخروی.

«لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

6- انسان، بعد از مرگ نیز از دعای خیر دیگران و سنت های حسنه ای که بنا نهاده بهره مند می شود. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

7- به طرح های کوتاه مدت قناعت نکنیم. «لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»

8- نعمت های بهشتی، در برابر اعمال ما موهبتی بی رنج است. «وَ رَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ» زیرا ارث، به مالی گویند که بدون رنج و تلاش به دست آید.

وَ اغْفِرْ لَائِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الصَّالِحِينَ»86»

(ابراهیم در ادامه ی دعاهایش گفت:): پدرم را ببخش که بی شک او از گمراهان است.

وَ لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»87» يَوْمَ لَا يُنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ»88» إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»89»



و روزی که همه مبعوث می شوند، مرا خوار مگردان. روزی که مال و فرزندان برای انسان نفعی ندارند. مگر کسی که با روح و قلب پاک به سوی خدا آید.

### نکته ها:

\* مشهور آن است که مراد از پدر، عموی ابراهیم است و به گفته ی قرآن، مؤمن نباید در حق کافر دعا کند. بنابراین اگر حضرت ابراهیم برای عموی کافر دعا کرد، به خاطر این بود که به او وعده ی دعا داده بود، زیرا هنوز به ایمان آوردن او امید داشت. «سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي» [13] لکن همین که یقین کرد او ایمان نمی آورد، از عموی خود تبری جست. «وَمَا كَانَتْ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدِهِ وَعَدِّهَا إِتَاهَ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ» [14]

\* روح پاک، روحی است که از وابستگی به دنیا و آلودگی به شرک، کفر، نفاق، تکبر و همه ی امراض قلبی پاک باشد و چون خداوند درباره ی منافقان می فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» پس قلب سلیم، قلب مؤمن است.

در حدیث می خوانیم: قلب سلیم، قلبی است که در آن شرک نباشد [15]

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نمازش این دعا را می خواند: «اللهم لا تخزنی یوم القیامه» پروردگارا! مرا در قیامت خوار و رسوا مکن [16]

\* سؤال: در روایات می خوانیم: انفاق مال و صدقه ی جاریه و اولاد صالحی که برای والدین دعا کنند، برای قیامت انسان مفید هستند. پس رابطه ی آیه ی «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ» با این روایات چیست؟

پاسخ: مراد این آیه، مال و فرزندی است که در خط الهی قرار نگیرند.

بنابراین دنیا مانند کلیدی است که با حرکتی در ب را قفل و با حرکت دیگری در ب را باز می کند. مال حلال در دست افراد صالح، سبب قرب و در دست ناهلان سبب گناه می شود.

مال را کز بهر دین باشی حَمُول

نعم مالٌ صالحٌ گفت آن رسول

چيست دنیا از خدا غافل شدن

نی فُماش و نقره و فرزند و زن

آب در کشتی هلاک کشتی است

آب در بیرون کشتی، پشتی است [17]

### پیام ها:

1- محبت و دعا درباره ی بستگان، همراه با نهي از منکر و انتقاد از اشتباهات آنان باشد. قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ ... وَ اغْفِرْ لِأَبِي

2- بند و بست های دنیوی در قیامت بی اثر است و جز قلب پاک، هیچ چیز کارایی ندارد. حَطِيبَتِي يَوْمَ الدِّينِ ... يَقْلِبِي سَلِيمٍ

3- بیم و امید باید در کنار هم باشند. «أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي - لَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ»

4- انسان در هر مرحله ای که باشد نباید از قیامت غافل باشد. لَا تُخْزِنِي ...

5- در قیامت، دیگران نیز از عیوب ما آگاه می شوند. «لَا تُخْزِنِي» زیرا رسوایی در جایی است که دیگران از خصوصیات رفتار و افکار ما آگاه شوند.

6- خواری و رسوایی، از سخت ترین حالات در قیامت است. «لَا تُخْزِنِي» حضرت ابراهیم از میان همه ی مشکلات روز قیامت، رسوا نشدن را مطرح می کند.

7- در قیامت، تحقیر و خواری و خزیان، بدتر از عذاب دوزخ است. «لَا تُخْزِنِي» در جای دیگر می خوانیم: «إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ» [18]

8- آنچه در دنیا ارزش است، در آخرت بی ارزش می شود. «لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ»

«مال» جلوه ی مسائل مادی و «بنون» (فرزندان) جلوه ی مسائل عاطفی است، یعنی در قیامت مال و فرزند و مقام و شهرت و مدرک و... نجاتبخش نیست.

وَ أَرْلَفْتَ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ 90» وَ بَرَزْتَ الْجَحِيمَ لِلْغَاوِينَ 91» وَ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ 92» مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُوكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ 93»

و(آن روز) بهشت برای پرهیزکاران نزدیک گردد. و آتش برافروخته برای گمراهان نمودار شود. و به آنان گفته شود: کجاست آنچه می پرستیدید؟ به جای خداوند، آیا یاریتان می کنند یا از خود دفاع توانند کرد؟

فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ 94» وَ جُنُودٌ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ 95»

پس همه ی معبودان و عابدان گمراه به دوزخ سرنگون شوند. و لشکریان ابلیس نیز همگی (به دوزخ افکنده شوند).

**نکته ها:**

\* «أُزْلِقَتْ» به معنای نزدیک شدن و «بُرِّزَتْ» از «بروز»، به معنای ظاهر شدن است.

«غاوین» از «غواء» شرّ و جهلی را گویند که از فساد عقیده است. «کب» به معنای از صورت به زمین خوردن و «کبکب» یعنی پی در پی از صورت به زمین خوردن، گویا دوزخیان پی در پی سقوط می کنند و به دوزخ می افتند، نظیر سنگی که از چند پله بیفتد، که در هر پله ای یک بار به زمین می خورد.

\* امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: کسانی که از عدل سخن می گویند، ولی در عمل عادل نیستند، مصداق این آیه هستند: «فُكِّبُوا فِيهَا هُمْ وَ الْغَاوُونَ» [19]

\* صاحب تفسیر اطیب البیان، مراد از نزدیک شدن بهشت و نمودار شدن دوزخ را، باز شدن درب بهشت به قبر مؤمن و درب دوزخ به قبر کافر می داند.

**پیام ها:**

1- مقام مؤمن پرهیزکار، از بهشت بالاتر است. لذا بهشت را برای او حاضر می کنند. «أُزْلِقَتْ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ» آری، کسی که در دنیا از گناه فاصله گرفت، در قیامت بهشت با آن عظمت را به استقبالش می آورند.

2- وعده ی خداوند بر وعید او مقدّم است. «أُزْلِقَتْ الْجَنَّةُ - بُرِّزَتْ الْجَحِيمُ»

3- دیدن دوزخ و وسیله های عذاب، خود نوعی شکنجه برای دوزخیان است. «بُرِّزَتْ الْجَحِيمُ»

4- سرزنش، یکی از عذاب های روحی قیامت است. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ ...»

5- اعتقادات انسان، در سرنوشته او نقش مهمی دارند. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»

6- در قیامت، از عقاید و افکار سؤال می شود. «قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ»

7- روحیه ی پرستش، در همه ی انسان ها هست، گرچه در بعضی از آنان به انحراف کشیده می شود. «أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ»

8- هم معبودهای خیالی به دوزخ می روند وهم عابد های گمراه. «هُمْ وَ الْغَاوُونَ»

قَالُوا وَ هُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ» 96 «تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» 97»

و آنان در دوزخ در حالی که با هم مشاجره می کنند، (به معبودهای خود) می گویند: به خدا سوگند که همانا ما در گمراهی آشکاری بودیم.

اِذْ نُسَوِّبُكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» 98 «وَ مَا اَصَلْنَا اِلَّا الْمُجْرِمُونَ» 99»

چون شما (بت ها و معبودها) را با پروردگار جهانیان برابر می دانستیم. و جز تبهکاران، ما را گمراه نکردند.

**نکته ها:**

\* بر خلاف فضای بهشت که تمام آن سلیم و سلامت است، فضای دوزخ همیشه پراز ملامت، خصومت و لعنت است: نفرین رهروان به رهبران فاسد، ملامت گناهکاران نسبت به شیطان، تنفر معبودها از مشرکان و تبری مجرمین از یکدیگر که درباره ی این موارد، آیات فراوانی در قرآن به چشم می خورد.

**پیام ها:**

1- در میان دوزخیان، جدال و جرّ و بحث و مخاصمه وجود دارد. (مشرکان با معبودهایشان همواره درگیرند). «يَخْتَصِمُونَ»

2- در قیامت، عشق های نامقدس و غیرالهی، به کینه تبدیل می شود. «يَخْتَصِمُونَ» در سوره زخرف آیه 67 می خوانیم: «الْاِخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِينَ»

3- در قیامت، وجدان ها بیدار می شوند. «اِذْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ»

4- هرکس و هر چیز را در کنار خدا قرار دهیم، شرک ورزیده ایم. «اِذْ نُسَوِّبُكُمْ» (به نام خدا و به نام خلق، مصداق «نُسَوِّبُكُمْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» است.

5- در قیامت، هر کسی تقصیر را به گردن دیگری می اندازد. «وَ مَا اَصَلْنَا اِلَّا الْمُجْرِمُونَ»

6- در قیامت مشرکان از رهبران خود شکایت دارند. «وَ مَا اَصَلْنَا اِلَّا الْمُجْرِمُونَ»

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ» 100 «وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» 101 «فَلَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» 102»

در نتیجه (امروز) برای ما نه شفیعانی وجود دارد و نه حتی یک دوست صمیمی. پس اگر برای ما بازگشتی (به دنیا) بود، از مؤمنان می شدیم.

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَ مَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِيْنَ» 103 «وَ اِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ» 104»



حقاً که در این (سرگذشت) درس عبرت و نشانه ای است، ولی بیشترشان ایمان آورنده نبودند. البته، پروردگار تو همان توانای مهربان است.

#### نکته ها:

\* در تفسیر مجمع البیان، روایاتی نقل شده که امامان معصوم علیهم السلام سوگند یاد کرده اند که شیعیان را شفاعت کنند.

\* امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن در آن روز برای اهل بیت خود شفاعت می کند. [20]

\* امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، روز قیامت ما شیعیان خود را چنان شفاعت کنیم که صدای منحرقان بلند شود: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» [21]

\* پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت قرآن، فامیل مؤمن، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام شفاعت می کنند. [22]

#### پیام ها:

1- در قیامت شفاعت قطعی است، اما گروهی از جمله مشرکان از آن بهره مند نمی شوند. إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ... فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

2- دوستی با گنهکاران در دنیا، در قیامت حاصلی ندارد. «وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»

3- انسان حتی در قیامت به دوست خوب نیازمند است. «وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»

4- شرط دریافت شفاعت، ایمان است. «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ - فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتُكَّونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»

5- روز قیامت، روز حسرت است. «فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً»

6- اگر مردم نخواهند و لجاجت کنند، نشانه ی بزرگ الهی نیز برای هدایت آنان کارساز نیست. «لَا يَهَيِّئُهَا وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ»

7- مهربانی در عین قدرت، یک صفت الهی است. «الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»

8- ای پیامبر! نگران انحراف اکثریت مباش، زیرا تو تحت حمایت مخصوص ما هستی. «وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»

9- مهلتی که خداوند به منحرقان می دهد به خاطر عجز و ناتوانی نیست، بلکه به خاطر رحمت و لطف است تا شاید برگردند. «الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ «105»

قوم نوح، انبیا را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ «106» إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ «107» فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا «108» وَ مَا أَسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ «109»

زمانی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا (از خدا) پروا نمی کنید؟ همانا من برای شما پیامبری امین هستم. پس، از خداوند پروا کنید و اطاعت نمايید. و من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا «110» قَالُوا أَمْ نُؤْمِنُ لَكَ وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ «111»

پس نسبت به خداوند تقوا پیشه کنید و (دستوراتم را) فرمان ببرید. آنان (به جای ایمان آوردن) گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو پیروی کرده اند؟

#### نکته ها:

\* نام حضرت نوح 43 بار در قرآن آمده است و خداوند حضرت ابراهیم را شیعه ی او دانسته «وَ إِنْ مِنْ شَيْعَتِهِ لِابْرَاهِيمَ» [23] و سوره ای به نام نوح در قرآن آمده است. سلام خداوند به نوح، سلام خصوصی است: «سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ» [24] در حالی که خداوند بر حضرت موسی و هارون و ابراهیم علیهم السلام نیز سلام نموده است، ولی جمله ی «فِي الْعَالَمِينَ» را ندارد.

\* آشنایی با تاریخ انبیا، انسان را شیفته ی آنان می کند و روح صبر و استقامت را در آدمی زنده می سازد.

#### پیام ها:

1- همه ی انبیا دارای هدفی واحد هستند، لذا تکذیب یک پیامبر به منزله تکذیب همه ی پیامبران است. «كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ» (قوم نوح تنها حضرت نوح را تکذیب کردند، ولی قرآن می فرماید: «الْمُرْسَلِينَ» یعنی تمام انبیا)

2- قبیله ها و امت ها را با نام رهبران و شخصیت های آنان می شناسند. «قَوْمُ نُوحٍ»

3- قبل از نوح، پیامبران متعددی بوده اند. «الْمُرْسَلِينَ»

- 4- در تبلیغ دین، از عواطف استفاده کنید. «أُخُوهُمْ»  
 5- اخلاق و رفتار انبیا با مردم زمان خود، برادرانه بوده است. «أُخُوهُمْ»  
 6- اطلاع از فرهنگ، زبان، آداب، رسوم و نقاط ضعف و قوت مردم، برای مبلغ ضروری است. «أُخُوهُمْ» کسی که برادر مردم است، از افکار، آداب و نقاط ضعف و قوت آنان آگاه است.  
 7- با سؤال، وجدان ها را بیدار کنید. «أَلَا تَتَّقُونَ»  
 8- پذیرفتن دعوت انبیا و اطاعت از آنان، روحیه ی تقوا لازم دارد. «أَلَا تَتَّقُونَ»  
 9- نبوت، به نفع بشریت و برای نجات انسان هاست. «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»  
 10- امین بودن و حسن سابقه و دلسوزی، شرط نفوذ کلام است. «لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»  
 11- شرط اصلی در فرستاده و حامل پیام، امین بودن است. «رَسُولٌ أَمِينٌ»  
 12- بیان کمالات خود، در مواردی لازم است. «إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ»  
 13- دینداری، از اطاعت از رهبری الهی جدا نیست. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ» آری تلبور تقوا در پیروی از انبیاست.  
 14- دعوت به خود، برای احیای فرمان خدا مانعی ندارد. «أَطِيعُوا اللَّهَ» در کنار «فَاتَّقُوا اللَّهَ» آمده است.  
 15- مبلغ دینی نباید از مردم توقع مادی داشته باشد و از آنان چیزی درخواست کند. (اخلاص، شرط نفوذ کلام است). «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»  
 16- کسی که بر خدا توکل کند، می تواند از مردم بی نیاز باشد. «مَا أَسْأَلُكُمْ ... إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ»  
 17- خداوند پاداش مبلغان دینی را بر خود لازم کرده است. «إِنَّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ ...»  
 18- رهبر دینی نباید در موضع تهمت دنیاپرستی باشد. «وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ»  
 19- راه های بهانه را ببندید و کارهای معنوی را به نیت اجر و مزد مادی انجام ندهید. «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ» در سوره ی قلم آیه 46 نیز می خوانیم: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ»  
 20- ایمان به خدا و تقوای الهی، زمینه ی ایمان به رسول و اطاعت از اوست. «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ»  
 21- در مسیر تربیت و تکامل، تکرار لازم است. (در این چند آیه، چند بار فرمان تقوا صادر شده است) «فَاتَّقُوا اللَّهَ ...»  
 22- اشرافی گری می تواند مانع ایمان آوردن باشد. زیرا مؤمنین در نظر مستکبران، ارادل و فرومایگان هستند. «وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ»  
 23- بیشتر یاران انبیا، فقرا و گمنامان بودند. «وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ»  
 24- حرف حق و مکتب حق را نباید به خاطر طرفداران گمنام آن تحقیر کرد. «وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ»  
 25- تعالیم انبیا، تبعیض های غلط اجتماعی را از بین می برد. «وَ اتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ»

قَالَ وَ مَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ «112»

(نوح) گفت: من به عملکرد گذشته (کسانی که شما ارادل می خوانید) آگاهی ندارم. (با مرا با اعمال گذشته ی آنان کاری نیست).

إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ «113»

حساب آنان جز بر پروردگارم نیست، اگر شما درک کنید.

**نکته ها:**

\* در اسلام، ما مأمور به ظاهریم و اگر کسی به اسلام گروید حق نداریم بگویم تو در قلبت ایمان نداری. «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَى إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا» [25]

\* قرآن، در آیه ای دیگر به پیامبر دستور می دهد: کسانی را که شب و روز برای قرب به خدا او را می خوانند از خود دور مکن. حساب آنان با خداست. نه تو مسئول حساب آنان هستی و نه آنان مسئول حساب تو، و اگر آنان را طرد کنی از ستمگرانی [26]

**پیام ها:**

- 1- پیامبران، بدون خواست الهی از اعمال گذشته ی افراد آگاه نیستند. «وَ مَا عَلِمِي»
- 2- گفتن «نمی دانم»، عیب نیست. «وَ مَا عَلِمِي»
- 3- بنده شناس خداوند است و حسابگر اوست، ما را چه کار که ردّ یا قبول کنیم.

وَمَا عَلِمِي ...

- 4- تجسس و عیبجویی از زندگی خصوصی افراد، ممنوع است. وَمَا عَلِمِي ...
- 5- برای قضاوت درباره ی دیگران، ایمان صادقانه و عمل صالح امروز آنان را بنگرید و گذشته ی افراد را به رُخ آنان نکشید. «يَمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»
- 6- سوابق بد، مانع تغییر و تحوّل و توبه ی مردم نیست. «كَانُوا يَعْمَلُونَ»
- 7- وظیفه ی انبیا، اصلاح مردم و دعوت به توحید است. آنان متولّی حساب و کتاب افراد نیستند. «إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَى رَبِّي»

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ «114» إِنَّ أَنَا إِلَّا تَذِيرٌ مُّبِينٌ «115»

(امروز که آنان ایمان آورده اند، من طرد کننده ی مؤمنان نیستم. من جز هشدار دهنده ای روشنگر نیستم.

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ «116»

مردم به نوح گفتند: ای نوح! اگر (از دعوت خود) دست برداری قطعاً از سنگسار شدگان خواهی شد.

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ «117» فَافْتَحْ بَيْتِي وَبَيْتَهُمْ فَتَحاً وَتَجِيّاً وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «118»

نوح گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند. پس میان من و آنان (داوری کن و) راه روشنی بگشا و مرا و هر کس از مؤمنان را که با من است، (از شرّ این کفار) نجات بده.

**نکته ها:**

\* مستکبران حتّی از انبیا نیز توقّع طرد فقرای گمنام با ایمان را داشتند و همه انبیا دست رد به این پیشنهاد می زدند. خداوند در آیه 28 سوره کهف به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می دهد:

«وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَتَدَنَّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» خود را با مؤمنانی که هر صبح وشام خالصانه خدا را می خوانند قرار بده و به خاطر رسیدن به زینت های دنیا از آنان چشم پوشی نکن و از غافلان و هواپرستان متجاوزان پیروی نکن.

\* جمله ی «مِنَ الْمَرْجُومِينَ» به جای «لنرجمنک»، نشان می دهد که قبل از حضرت نوح نیز افرادی را سنگسار نموده بودند.

**پیام ها:**

- 1- با پیشنهادات و توقّعات نابجای متکبران، قاطعانه برخورد کنید. (طرد فقرای با ایمان جایز نیست، حتّی اگر به قیمت ایمان آوردن گروهی دیگر باشد) وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ ...
- 2- ملاک ارزش، ایمان است، نه جایگاه اجتماعی و اقتصادی. وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ ...
- 3- جاذبه باید در حدّ اعلی باشد، ولی دافعه تنها در موقع ضرورت لازم است. وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ ...
- 4- بیم و هشدار و انذار انبیا، بیش از بشارت آنان است. در قرآن جمله ی «إِنَّ أَنَا إِلَّا تَذِيرٌ» آمده، ولی جمله ی «ان انا الا بشیر» نیامده است.
- 5- ترساندن غافل از خطرها، بهترین شیوه ی ارشادی است. «إِنَّ أَنَا إِلَّا تَذِيرٌ»
- 6- یکی از مهم ترین حربه های مخالفان انبیا تهدید است. «مِنَ الْمَرْجُومِينَ»
- 7- سنگسار کردن، یکی از قدیمی ترین انواع شکنجه هاست. «مِنَ الْمَرْجُومِينَ»
- 8- در برابر تهدیدهای دشمن به خدا متوسّل شویم. «قَالَ رَبِّ»
- 9- ناله ی حضرت نوح به خاطر تکذیب مکتب بود، نه تهدید و سنگسار. «رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ» و نفرمود: «یرجمون»
- 10- گره گشا خداست. «فَأَفْتَحْ»
- 11- با وجود تهدید و خفقان، گروهی از مردم به انبیا ایمان می آوردند. «وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»
- 12- آنچه مهم است، همراهی عملی و مکتبی است، نه فیزیکی و ظاهری. «وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»
- 13- مؤمنین مشمول دعای انبیا هستند. «تَجِيّاً وَ مَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»
- 14- ایمان به تنهایی کافی نیست، پیروی و همراهی لازم است. «وَمَنْ مَعِيَ» چنانکه در موارد دیگر نیز قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ» [27]

- [1] - بقره، 60،
- [2] - نحل، 43؛ انبیاء، 7.
- [3] - انعام، 90.
- [4] - .مریم، 82.
- [5] - تفسیر کبیر فخر رازی
- [6] - ص، 46.
- [7] - تفسیر نمونه.
- [8] - تفسیر صافی
- [9] - تفسیر نور الثقلین
- [10] - تفسیر کنز الدقائق
- [11] - وسائل، ج 6، ص 293.
- [12] - تفسیر نور الثقلین، ج 2، ص 31.
- [13] - مریم، 47.
- [14] - توبه، 114.
- [15] - تفسیر نور الثقلین
- [16] - تفسیر فرقان.
- [17] - بیان السعاده
- [18] - آل عمران، 192.
- [19] - تفسیر نور الثقلین
- [20] - تفسیر مجمع البیان.
- [21] - تفسیر المیزان
- [22] - کنز العمال
- [23] - صافات، 83.
- [24] - صافات، 79.
- [25] - نساء، 94.
- [26] - انعام، 52.
- [27] - هود، 66، 58 و 94

